

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال نهم، شماره هفدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

مضامین شاخص ادبیات پایداری در بخش حماسی شاهنامه فردوسی (علمی-پژوهشی)

دکتر احمد فروزانفر^۱

دکتر فریده داوودی مقدم^۲

زهرا عسگری^۳

چکیده

ادبیات پایداری، گونه‌ای مهم و تاثیرگذار از انواع ادبی در ایران است که در طول تاریخ این کشور، نقش مؤثری را در بیان و القای مفاهیم مقاومتی، ایفا نموده است. شاهنامه فردوسی به عنوان پلی برای آشنایی با ریشه‌های کهن این گونه ادبی در آثار کلاسیک فارسی، به سبب برخورداری از روح حماسه و منش پهلوانی، بیانگر رابطه‌ای معنادار میان حماسه‌های خود و مضامین ادبیات پایداری است که با استناد به روش تحلیل محتوا، این مضامین در بخش میانی شاهنامه، دربردارنده مضامینی چون: دعوت به اتحاد و همدلی، میهن دوستی، ظلم ستیزی، بیان جنایت و بیدادگری، هشدار و... می باشد که شامل مضامین شاخص و کلی ادبیات پایداری در میان آثار مقاومتی تمامی ملت‌هاست که با تطبیق این مضامین در بخش یاد شده و ارائه شاهد مثال‌های مرتبط با موضوع، بی‌شک شاهنامه فردوسی از نخستین و کامل‌ترین منابع مقاومتی ایرانیان در حوزه ادبیات پایداری است.

واژه‌های کلیدی

ادبیات پایداری، حماسه، شاهنامه، فردوسی

^۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شاهد تهران

^۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شاهد تهران

^۳. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شاهد تهران (نویسنده مسئول) zasgari199@gmail.com

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴-۱۰-۲۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳-۱۱-۱۲

۱- مقدمه

ادبیات پایداری، ادبیاتی منفعلانه و بی‌تاثیر نیست که صرفاً بیانگر احساسات یک شاعر یا نویسنده باشد؛ بلکه این نوع ادبی در پی آن است تا در پیوند با تاریخ و اجتماع، تاثیری شگرف در احیای آزادی و آزادگی از خود بر جای گذارد. این گونه ادبی، محصول قلمی متعهد و ذهنی دردآشناست که حاصل تمامی حوادث بزرگ تاریخ است که به چاشنی ادب مزین گشته‌است و محدود کردن آن به بخشی از تاریخ معاصر این سرزمین، حق روایت کهن و اصیل این نوع از ادبیات را ادا نمی‌کند؛ از این روی، با نگاهی کلاسیک و نیز عنایت به این مطلب که مضامین یک گفتار و یا یک متن، سازنده ساختار اصلی و مفهومی یک اثر به شمار می‌رود، از منظر مضمون‌شناسی در پی آنیم تا با شناخت و تبیین داستان‌های رزمی بخش حماسی شاهنامه فردوسی از دیدگاه تطبیق مضامین پایداری در آن، این کاخ بلند پارسی را به عنوان اثری جامع از نوع ادبیات پایداری معرفی کنیم که در این میان، استناد به پیشینه ادبیات پایداری در آثار پژوهشی مختلف، دانش زمینه‌ای ما را در شناخت این مضامین در برمی‌گیرد، تا با بررسی، شرح و ارائه مضامین پایداری شاهنامه در راستای تطبیق با مضامین پیش‌ساخته، شاهنامه را از این منظر مورد بررسی قرار دهیم.

۱-۱- بیان مسئله

سخن‌گفتن از ادبیات پایداری و آثار متصف به آن، با توجه به رشد و توسعه آن در برهه زمانی معاصر، کار ساده‌ای نیست؛ زیرا حتی با وجود تعدد آثار در این زمینه، هنوز تعریفی یکسان و مشترک از مؤلفه‌ها و زیر مجموعه‌های آن ارائه نشده است و سخن‌گفتن از مضامین پایداری در عرصه متون کلاسیک فارسی، آن هم در زمانی که مفهوم آن با ماهیت حوادث معاصر گره خورده‌است، کاری است بدیع و البته دشوار؛ از این روی، در مقام بررسی و جستجوی مضامین با توجه به هدف پژوهش و محوریت قراردادن داستان‌های حماسی شاهنامه

و نیز ضرورت هم‌سویی با مضامین مشترک ادبیات پایداری، به جنگ‌هایی خواهیم پرداخت که صرفاً در مصاف با بیگانگانی از جنس انسان و در مقام دفاع به وقوع پیوسته‌است و از پرداختن به جنگ‌های ماورایی و یا جنگ‌هایی که با اهدافی غیر از دفاع و مبارزه و با انگیزه‌هایی چون تفاخر، منیت و حتی تجاوز شکل گرفته‌اند، به دلیل تعارض آشکار با مفاهیم مقاومتی چشم‌پوشی می‌کنیم.

۱-۲- پیشینه تحقیق

به دلیل عنوان و محتوای بدیع پژوهش حاضر و نیز سایه نگاه معاصری که بدان اشاره شد، پایان‌نامه، کتاب و یا مقاله‌ای به بررسی و ارائه مضامین پایداری در شاهنامه پرداخته‌است؛ اما با این‌همه، دو مقاله با نگاهی کهن، ادبیات پایداری را در قالب متون کهن ایرانی مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند.

مقاله‌ای با عنوان «شاهنامه فردوسی، نخستین منظومه پایداری (۱۳۸۳)» از رضا چهرقانی برچلویی. این مقاله با قائل‌بودن به تعریفی از ادبیات پایداری که اصول آن را تعهد و سیاست می‌داند، شاهنامه را نخستین منظومه پایداری معرفی می‌کند و معتقد است که فردوسی در واکنش به اوضاع عصر خود، در شاهنامه نوعی مقاومت فرهنگی را به وجود آورده‌است.

مقاله دیگری با عنوان «جلوه‌های پایداری در حماسه دینی یادگار زیران و گشتاسب‌نامه دقیقی (۱۳۹۰)» از بهجت قاسم‌زاده؛ که نگارنده، این دو اثر کلاسیک را دارای مضامینی چون: گزینش راه حق و تبلیغ آن، پافشاری بر آیین حق و شجاعت، ستایش مقام والای شهیدان، پیروزی حق بر باطل و ... معرفی می‌کند.

۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

در پیشینه تحقیق این پژوهش، شاهد آن بودیم که این مضامین بیشتر در آثار ادیبان عرب و شاعران معاصر ایران مورد بررسی قرار گرفته است؛ حال آنکه این گونه ادبی از دیرباز در آثار فارسی، حضوری روشن و تاثیرگذار داشته است.

به گواه تاریخ، این ملت مدافع و مقاوم، هرگاه که شرح مبارزات خویش را در جان واژه‌ها ریخته و آن را ادیبانه بیان کرده است، بی شک خالق اثری ارزنده در دامان ادبیات پایداری بوده است؛ از این روی، به دلیل نگاه معاصر که بر ادبیات پایداری ایران سایه افکنده است و آن را محصول ادب‌المقاومه عرب می‌داند، پرداختن به آثاری چون شاهنامه که با روح پایداری نیز گره خورده است، در بسط ذهن و قلم پژوهشگران این رشته می‌تواند تاثیرگذار باشد و آنان را به بررسی آثار کلاسیک فارسی از منظر ادبیات پایداری تشویق کند که این موارد از اهداف و ضرورت‌های مهم پژوهش حاضر محسوب می‌گردد.

۲- بحث

ادبیات پایداری با جنگ متولد می‌شود؛ اما با پایداری و مقاومت است که جاودانه می‌ماند؛ «زیرا این نوع از ادبیات، مقاومت انسان را در برابر نیروهایی که شرافت، ناموس و هویت او را نشانه گرفته‌اند، به تصویر می‌کشد. ادبیاتی که به انسان انگیزه می‌دهد تا از خود و کیان و حیات خود در برابر نیروهای مهاجم و نابودکننده دفاع کند.» (امامی، ۱۳۸۳: ۲۶) به منظور شناخت مضامین پایداری بخش میانی شاهنامه، نخست به جنگ در حماسه‌های شاهنامه و سپس به انگیزه‌های جنگ در این بخش پرداخته و در ادامه با بیان مضامین شاخص و مشترکی از ادبیات پایداری، به ارائه مضامین مقاومتی شاهنامه در حوزه ادبیات پایداری خواهیم پرداخت. گفتنی است که منظور از مضامین مشترک در این تحقیق به معنای مضامین شاخص و کلی ادبیات پایداری است که تقریباً در میان تمامی ملت‌های مدافع عمومیت دارند.

۲-۱- جنگ در بخش حماسی شاهنامه

تاریخ حماسی شاهنامه، از کودکی فریدون تا مرگ رستم با جنگ آغاز می‌شود، گسترش می‌یابد و تمام می‌شود.

گفتنی است تمام آثاری که در جهان از سوی ملت‌های مدافع و ستم‌دیده به نگارش درآمده‌اند، ذیل عنوان ادبیات پایداری قابلیت نقد و بررسی دارند؛ از این روی، شاهنامه نیز اثری حماسی با رویکرد پایداری است نه صرفاً گزارشی از جنگ‌های ایران باستان. رسالت فردوسی، تنها سرودن نامه باستان ایرانیان نیست، بلکه او «به عنوان آخرین مدافع ملیت ایرانی قد علم می‌کند و با ایجاد شاهنامه، آنچه را که نیزه سرداران و قلم شعویان از انجام آن عاجز مانده را صورت عمل می‌بخشد.» (خالقی مطلق، ۱۳۸۸: ۱۰۹).

تاثیر شاهنامه نیز محدود به زمان خودش نبوده و در دنیای معاصر نیز هنوز، دارای کارکرد پایداری خود - یعنی تشجیع، تحریک و تحریض - است که از این منظر نیز حماسه با ادبیات پایداری در پیوند است زیرا تاثیر حماسه و ادبیات پایداری هر دو محدود به زمان نیست و گونه ادبی منفعل و مدت‌داری نیست؛ بلکه در پی تاثیری است که این هدف، احیاگر ابدی این نوع ادبی است؛ در واقع «شاهنامه از آغاز ایجاد خود تا به امروز، با فرهنگ، بینش و زبان خاص خود به پایداری ایران در برابر حوادث کمک کرده است.» (اسلامی ندوشن، ۱۳۸۱: ۸) زیرا ادبیات پایداری متعلق به مردم است و وابسته به هیچ دربار، حکومت و طیف خاصی نیست؛ از این روی، تاریخ، حافظ این گونه ادبی است که حقیقت‌طلب و دادمحور است.

۲-۲- انگیزه‌های شکل‌گیری جنگ در بخش حماسی شاهنامه

هر جنگی بی‌شک انگیزه‌ای خاص یا دست کم بهانه‌ای لازم دارد که هم آغاز آن را موجه کند، هم وسیله‌ای باشد که از احساسات مردم برای گرم نگاه‌داشتن تنور جنگ از آن بتوان استفاده کرد. جنگ در شاهنامه، سرشتی مقاومتی دارد و «واژه مقاومت نیز، همواره با

ظلم‌ستیزی عجین شده‌است.» (حجازی، ۱۳۸۹: ۴۱) از این روی، انگیزه‌های عدالت‌طلبانه، محرک اصلی جنگ در شاهنامه‌است و بیشتر جنگ‌های ناعادلانه را تورانیان سبب می‌شوند؛ هر چند که از نقش حسادت پسران فریدون، آز کیکاووس و بی‌خردی‌های طوس در ماجرای فرود، نمی‌توان چشم پوشی کرد؛ اما به طور کلی، انگیزه‌های عادلانه از سوی ایرانیان را می‌توان توجیهی برای جنگ‌های آنان دانست.

۲-۲-۱- کین‌خواهی، بزرگترین انگیزه وقوع جنگ در شاهنامه

کین‌خواهی، نخستین و مهم‌ترین انگیزه آتش‌افروزی جنگ در بخش حماسی شاهنامه به شمار می‌رود. «کین، درون‌مایه مستدام شاهنامه‌است؛ زیرا جنگ، مایه اصلی داستان‌های این شاهکار است و کین‌توختن، انگیزه هر جنگ و کارزار است.» (سرامی، ۱۳۸۸: ۶۴۸) انگیزه مزبور، یکی از مضامین مهم ادبیات پایداری در حماسه‌های شاهنامه‌است؛ به طور کلی «کینه‌توزی در شاهنامه به دوران نخست و پهلوانی اختصاص دارد، یعنی از عهد کیومرث آغاز می‌شود و در روزگار بهمن به پایان می‌رسد که نشان‌دهنده ارتباط نزدیک میان حماسه و کین‌خواهی‌است.» (راشد محصل، ۱۳۶۹: ۶۵۵-۶۵۳) شعله‌افروز جنگ‌های بزرگ این بخش، کین‌خواهی دو تن از شاهزادگان فرشته‌خوی ایرانی است که جنگ‌های طولانی در راستای این کین‌توزی صورت می‌گیرد، کین‌خواهی از خون‌مظلومانه شهیدانی چون ایرج و سیاوش.

۲-۲-۲- حراست از کیان دین، انگیزه‌ای دیگر برای جنگ

مفهوم دفاع از وطن، خصیصه مشترک شکل‌گیری جنگ در نزد اقوام مدافعی است که مورد تهاجم قرار گرفته‌اند؛ اما در برخی جنگ‌ها در کنار مفهوم دفاع از آب و خاک، دفاع از دین و آیین نیز مطرح‌است؛ آن زمان که مرزهای اعتقادی یک ملت نیز، مورد تهاجم قرار می‌گیرند،

موضوع دفاع و مقاومت رخ می‌نماید؛ از این روی، «حماسه‌های دینی نیز یکی از زیر شاخه‌های مهم ادبیات پایداری است که نوعی از حماسه است که در آن به بیان قهرمانی‌ها و جان‌فشانی‌های بزرگان و اولیای دین هر قوم در جهت دفاع از آیینشان پرداخته می‌شود و این نوع حماسه، مصائب قهرمانان را به تصویر می‌کشد که فداکاری آنها نقشی مهم در تکوین و ریشه‌دار شدن دین و مذهب یک قوم ایفا کرده است.» (قاسم زاده، ۱۳۹۰: ۳۴۳) اما از آنجا که شاهنامه در واقع حماسه‌ای ملی است تا حماسه‌ای دینی و انگیزه‌های دینی و اعتقادی نیز، گاه صرفاً شعاری بیش نیست؛ از این روی، بعد غالب شاهنامه، بیان حماسه‌های ملی ایرانیان است تا حماسه‌ای دینی در بیان حراست از دین زرتشت؛ با این همه، انگیزه‌های دینی، محرک جنگ‌های پایانی بخش حماسی شاهنامه به شمار می‌روند. از سوی دیگر «توصیه اصلی فردوسی در شاهنامه، بردو چیز است: یکی دانش و دیگری دین که منظورش پای‌بندی به اصول معنوی است.» (اسلامی ندوشن، ۱۳۸۰: ۲۱) بنابراین، کین‌خواهی در شاهنامه در راستای حفظ جان و نام ایرانی است که طبیعتاً حفاظت از حوزه دین، مرزی جغرافیایی را می‌طلبد؛ لذا در ورای تمامی این انگیزه‌ها، حفظ خاک و میهن از انگیزه‌های اصلی مقاومت در شاهنامه به شمار می‌رود.

۲-۳- مضامین شاخص ادبیات پایداری

بسیاری از محققان این عرصه، به مضامین کم و بیش مشترکی اشاره کرده‌اند و بر کلیت آنها، اتفاق نظر دارند که موارد زیر، مجموعه‌ای از این دست مضامین به شمار می‌رود: «القای امید به آینده و پیروزی موعود، ستایش سرزمین، ترسیم چهره رنج کشیده مردم، دعوت به مبارزه، بیان جنایت‌ها و بیدادگری‌ها، توصیف و ستایش جان‌باختگان و شهیدان، عدم سازش با ظالم و ستایش آزادی.» (سنگری، ۱۳۸۳: ۴۸-۴۶)

۲-۴- مضامین پایداری در حماسه‌های شاهنامه

۲-۴-۱- دعوت به اتحاد و همدلی

بی‌شک، مهمترین لازمه پایداری یک ملت در برابر بیگانگان، برخورداری از همدلی و اتحاد میان اقوام مختلف آن ملت است. در شاهنامه، این موضوع به روشنی دیده می‌شود و در واقع «آنچه شاهنامه را برتر از زمان و مکان می‌سازد، توجه به اساس ملیت و عشق به سرزمین ایران است و مسئله وحدت در سراسر کتاب دیده می‌شود و هیچ داستانی از شاهنامه، از افکار ملی تهی نمانده است.» (اشراقی، ۱۳۵۴: ۷۹)

گفتنی است که؛ اتحاد سرداران داخلی یک کشور و همدلی و یکرنگی آنان با یکدیگر، سبب قدرت یک کشور می‌گردد که نتیجه این قدرت، آسیب‌ناپذیری مرزهای یک قوم است و آن گونه که از داستان‌های شاهنامه برمی‌آید، فردوسی بر این باور است که به مخاطره‌افتادن امنیت ملی و استقلال کشور نیز ناشی از بیداد و ستم شاهان است و دوری از اتحاد و همدلی، سبب تجاوز دشمنان.

چنانکه وقتی گشتاسب، اسفندیار بی‌گناه را - که سال‌ها برای اعتلای دین و میهن جنگیده است - به بند می‌کشد، مردم از بیعت شاه روی گردانده، شورش و آشوب کشور را فرا می‌گیرد و در این اوضاع آشفته، سالار چین به این اندیشه می‌افتد که به ایران زمین بتازد و کین شکست‌های پیشین بستاند.

از آن کار گشتاسب آگه شدند	به هر جا کجا شهریاران بُدند
به هم بر شکستند پیمان شاه	بگشتند یکسر ز فرمان شاه
که ماه از کمان اندر آمد کمین	پس آگاهی آمد به سالار چین
بباید بسی لشکر آراستن	کنون است هنگام کین خواستن

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۳۶۸)

چون میان گودرزیان و نوذریان بر سرگزینش جانشین کاووس اختلاف می‌افتد و کار به لشکرکشی می‌کشد، طوس از ننگ عقب‌نشینی باکی ندارد؛ بلکه از این نگران‌است که مبادا اختلاف به جنگ خانگی انجامد و به سود دشمن گردد.

غمی شد دل طوس و اندیشه کرد
 که امروز اگر سازم اینجا نبرد
 بسی کشته‌آید ز هر دو سپاه
 از ایران نه برخیزد این کینه‌گاه
 یکی کینه خیزد که افراسیاب
 همه شب نبیند جز این را به خواب
 (همان: ۱۸۴)

در جایی دیگر، زمانی که میان کاووس و رستم رنجش خاطری حاصل می‌شود و شاه فرمان زنده بر دار کردن رستم و گیو را صادر می‌کند، رستم به شاه یادآوری می‌کند که به جای ایجاد تفرقه و کشتن من به فکر مقابله با دشمن باش.

تو آن تُرک را، زنده بر دار کن
 بر آشوب و بدخواه را خوار کن
 (همان: ۱۲۳)

۲-۴-۲- میهن‌دوستی و ستایش وطن

یکی از مضامین مهم ادبیات پایداری که در آثاری از این دست، مشهود است ستایش و تکریم وطن است که «نخستین جلوه‌های قومیت و یاد وطن در شعر پارسی نیز تصویری است که از ایران و وطن ایرانی در شاهنامه دیده می‌شود.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۱: ۱۶۳) از این روی، در سراسر شاهنامه، خصوصاً در بخش حماسی آن، این مفهوم به روشنی به کار گرفته شده‌است و از آن با عنوان ایران دوستی یاد می‌شود که حفظ ایران از منظر جغرافیا و فرهنگ، همواره از اولویت‌های اصلی شاهان، پهلوانان و توده‌های مردم پیشه‌ور به شمار می‌رود.

در بخش حماسی شاهنامه، زمانی که کاووس در هاماوران گرفتار می‌شود، افراسیاب به ایران لشکر می‌کشد و ایرانیان به رستم این گونه پیغام می‌دهند:

که ما را ز بدها تو باشی پناه
چو گم شد کنون فرّ کاووس شاه
دریغ است ایران که ویران شود
کنام پلنگان و شیران شود
(فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۰۹)

در داستان تقسیم جهان توسط فریدون و ماجرای دادن ایران به ایرج و برانگیخته شدن رشک و حسادت سلم و تور، در لفافه سخن، فردوسی از زبان تور به برتری ایران در مقایسه با سایر اقلیم‌ها، اینگونه اشاره می‌کند:

پس آن‌گه نیابت به ایرج رسید
مر او را پدر، شهر ایران گزید
هم ایران و هم دشت نیزه‌وران
همان تخت شاهی و تاج سران
بدو داد که او را سزا دید گاه
همان تیغ و مهر و نگین و کلاه
(همان: ۴۰)

تور، برتری ایران را در قالب رشک و حسادت، این‌گونه بیان می‌کند:

بدو گفت تور ار تو از ما که‌ی
چرا بر نهادی کلاه مه‌ی
تورا باید ایران و تخت مهان
مرا بر در ترک بسته میان
چنان بخششی کان جهانجوی کرد
همه سوی که‌تر پسر روی کرد
(همان: ۴۳)

۲-۴-۳- ضرورت جنگ در مقام دفاع

در مقابل اندیشه بارز صلح‌طلبی ایرانیان و فردوسی، جنگیدن برای حفظ وطن، شرف و ناموس در شاهنامه واجب و ضروری است. «شاهنامه، طبیعتاً کتابی جنگی است، ولی جنگ دفاعی نه تعرضی. جنگی است که نمی‌گذارد حق پایمال شود و متجاوز بدون مجازات بماند.» (اسلامی ندوشن، ۱۳۸۰: ۱۵ و ۲۱)

شاهنامه در سیمای منوچهر، همان شاهی را تصویر می‌کند که برای پایداری عدالت و نیکی مبارزه می‌کند. او قصاص جدهش را از برادران وی می‌ستاند و بعد از نشستن بر تخت شاهی،

اهداف خود را اعلان می‌کند که جاری کردن عدل، اهم آن اهداف است. با وجود این، ضرورت جنگ با بدان را مورد تأکید قرار می‌دهد.

منم گفت بر تخت گردان سپهر
همم خشم و جنگ است و هم داد و مهر
شب تار، جوینده کین منم
همان آتش تیز بر زین منم
بدان را ز بد، دست کوتاه کنم
زمین را به خون، رنگ دیه کنم
(فردوسی، ۱۳۸۷: ۵۱)

در داستان جنگ کیکاووس و افراسیاب، ایرانیان در پاسخ به طمع‌ورزی شاه ترکان بر آب و خاک ایران، جانانه دفاع می‌کنند.

دلیران ایران سراسر سران
به دست اندرون گرزهای گران
بکشند چندان ز توران گروه
که پیدا نبد دشت و دریا و کوه
(همان: ۱۱۲)

کیخسرو، شخصیتی صلح طلب است اما برای حفظ وطن، آماده جنگ می‌شود.
ابا پهلوانان چنین گفت شاه
که ترکان همه تاج جویند و گاه
چو دشمن سپه ساخت، شد تیز چنگ
نباید بسیچید ما را درنگ
(همان: ۲۷۲)

۲-۴-۴- ظلم‌ستیزی و عدالت‌طلبی

ظلم‌ستیزی از ارکان اولیه و لازمه ادبیات پایداری هر ملتی است؛ زیرا بدیهی است که تا تجاوز و غارتی در کار نباشد، مقاومتی شکل نخواهد گرفت؛ به همین دلیل از اهداف اصیل هدایت مسیر ادبی یک ملت به سوی مفاهیم مقاومتی و تدوین دواوین پایداری، بی‌شک، تحقق آرمان بزرگ عدالت‌گستری است.

گفتنی است که «اندیشه ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی فردوسی، ترکیبی است از عناصر اعتقادی آیین مزدایی و اساطیر زرتشتی به همراه اصل اعتقادی عدل که از ارکان مذهب تشیع به شمار می‌رود.» (رزمجو، ۱۳۸۱: ۳۶)

سخنان کاوه در محضر ضحاک، بیانگر اوج ظلم‌ستیزی ایرانیان است:

همان‌گه، یکایک ز درگاه شاه	بر آمد خروشیدن دادخواه
خروشید و زد دست بر سر ز شاه	که شاها منم کاوه دادخواه
ز تو بر من آمد ستم بیشتر	زنی هر زمان بر دلم بیشتر

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۳۲)

مضمون ظلم‌ستیزی در آیین و مسلک فریدون:

هر آن چیز کز راه بیداد دید	هر آن بوم و بر، کان نه آباد دید
به نیکی بیست او همه دست بد	چنان کز ره شهریاران سزد

(همان: ۳۷)

مضمون ظلم‌ستیزی از زبان منوچهر در آغاز پادشاهی:

هر آن کس که در هفت کشور زمین	بگردد ز راه و بتابد ز دین
نماینده رنج درویش را	زبون داشتن مردم خویش را
همه سر به سر نزد من کافرند	و ز اهریمن بدکنش، بدترند
و زان پس به شمشیر یازیم دست	کنم سر به سر، کشور از کینه پست

(همان: ۵۱)

کیخسرو، زمانی که به سلطنت می‌رسد، ریشه ظلم را از ایران برمی‌کند و زنگ غم از دل مظلومان می‌زداید.

بگسترده گرد جهان، داد را	بکند از زمین، بیخ بیداد را
--------------------------	----------------------------

(همان: ۱۸۷)

۲-۴-۵- اعتراض و هشدار

اعتراض به وضع کنونی و هشدار به جنگ و در نهایت، قیام در صورت عدم اصلاح سران حکومتی و یا دشمنان خارجی، از دیگر مضامین ادبیات پایداری در آثاری از این دست به شمار می‌رود. هدف از اعتراض در شاهنامه، عدل‌گستری و اقامه داد در تمام شئون زندگی است.

در نامه رستم به شاه هاماوران، مضمون اعتراض و هشدار موج می‌زند.

یکی نامه بنوشت با گیر و دار	پراز گرز و شمشیر و پیر کارزار
که بر شاه ایران، کمین ساختی	به پیوستن اندر بد انداختی
که در جنگ هرگز نسازد کمین	اگر چند باشد دلش پرز کین
اگر شاه کاووس یابد رها	تورستی ز چنگ و دم ازدها
و گرنه بیارای جنگ مرا	به گردن پیمای هنگ مرا

(همان: ۱۱۰-۱۰۹)

اعتراض زرتشت به باژخواهی ارجاسب و هشدار ایرانیان به مخالفان آیین تازه خود نیز، مضمونی از این دست به شمار می‌رود.

به شاه جهان گفت زردشت پیر	که در دین ما این نباشد هژیر
که تو باژ بدهی به سالار چین	نه اندر خور دین ما باشد این
نباشم برین نیز همداستان	که شاهان ما در گه باستان
به ترکان ندادند کس باژ و ساو	که بودند بی دین و بی زور و تاو

(همان: ۳۵۷)

در ادامه، پاسخ ایرانیان به تهدید ارجاسب، هشدار این چنین است:

کشیدند شمشیر و گفتند اگر	کسی باشد اندر جهان سر به سر
که نپسندد او را به پیغمبری	سر اندر نیارد به فرمانبری
به شمشیر، جان از برش برکنیم	سرش را به دار برین برزنیم

(همان: ۳۵۸)

در اعلان جنگ کیخسرو به فغفور چین و شاه مُکران نیز، این چنین آمده است:

فرستاد کس نزد خاقان چین	به فغفور و سالار مُکران زمین
که گرداد گیرید و فرمان کنید	ز کردار بد، دل پشیمان کنید
کسی کو بتابد ز گفتار ما	و گرد دور ماند ز پیکار ما
بیاراست باید سپه را به رزم	هر آن کس که بگریزد از راه بزم

(همان: ۳۲۷)

۲-۴-۶- بیان جنایت و بیدادگری دشمن

ادبیات پایداری، دارای دو رویکرد مجزا است؛ زیرا لازمه سرودن و یا نوشتن در دامان این نوع از ادبیات، ستایشی آمیخته به اعتراض است؛ از این روی، همان گونه که ادبیات پایداری، ستایشگر آزادی و مقاومت است، نکوهش گر و منتقد بیداد و جنایت نیز می باشد.

در شاهنامه «شهریار بد که جایگاهش در توران است، اساس سلطنتش بر بیداد استوار است و در اثر آلوده شدن به صفات رذیله، در سرزمین تیرگی به سر می برد.» (عزیزی، ۱۳۸۸: ۱۶۶)

در بخش حماسی شاهنامه، در سه دوره، سایه شوم ستم بر آباد بوم ایران سایه بیداد می گسترده؛ دوره ضحاک، افراسیاب و ارجاسب که پهلوانان و شاهانی چون؛ کاوه، فریدون، رستم، کیخسرو و گشتاسب در برابر بیداد آنها به افشاگری پرداخته و در برابر آنان به جنگ برخاسته که در هر سه مورد، ایرانیان را پیروز می دانند.

از آنجایی که بیان بیداد دشمن از سوی ملت مدافع در جنگ بیان می شود، به ذکر این جنایات از زبان ایرانیان، خواهیم پرداخت.

بیان جنایات ضحاک از زبان کاوه:

ستم گر نداری تو بر من روا	به فرزند من دست بردن چرا
مرا بود هژده پسر در جهان	از ایشان یکی مانده است این زمان

که مارانت را، مغز فرزند من

همی داد باید به هر انجمن

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۳۲)

بیان جنایات افراسیاب از زبان کیخسرو:

ز خون برادرت گویم نخست

دگر نودر نامور شهریار

زدی گردنش را به شمشیر تیز

سه دیگر سیاوش که چون او سوار

بریدی سرش چون سر گوسفند

که هرگز بلای مهان را نجست

که از تخم ایرج بُد او یادگار

برانگیختی از جهان رستخیز

نبندد کمر نیز یک نامدار

همی بر گذشتی ز چرخ بلند

(همان: ۳۳۳)

بیان جنایات ارجاسب از زبان جاماسب، خطاب به اسفندیار:

ز لهراسب شاه، آن پرستنده مرد

همان هیرید، پیر و یزدان پرست

بکشند هشتاد از آن موبدان

ز خونشان در آن خان، آذر بمرد

همای خردمند و به آفرید

به ترکان اسیرند با داغ و درد

برادر که بُد مر تو را سی و هشت

همه خاک دارند بالین و خشت

که ترکان بکشندش اندر نبرد

که بودند با باژ و برسم به دست

پرستنده و پاکدل بخردان

چنین بدکنش خوار نتوان شمرد

که باد هوا، روی ایشان ندید

پیاده دوان و دو رخساره زرد

پلنگان کوهی و شیران دشت

که دشمن از ایشان، سواری نهشت

(همان: ۳۷۱)

۳- نتیجه گیری

با استناد به یافته‌های پژوهش، مضامین ادبیات پایداری در شاهنامه در کسوت حماسه عرضه می‌گردد و جنگ‌های حماسی شاهنامه، با ایفای نقش پهلوانان دلیر ایرانی و شاهان دادگستر با انگیزه‌هایی چون کین‌خواهی و حراست از کیان دین صورت می‌پذیرد که هر دو انگیزه، تحت لوای انگیزه برتر-یعنی حفظ ایران- معنا و مفهوم یافته و نشان‌دار می‌شوند.

حماسه‌های شاهنامه در شاخصه‌های صریحی از ادبیات پایداری از قبیل دعوت به اتحاد، میهن‌دوستی، ظلم‌ستیزی، هشدار و ... دارای شاهد مثال‌های فراوانی است که از منظر تطبیق با مضامین شاخص ادبیات پایداری و ارائه نمونه‌های متعدد، بی‌شک شاهنامه فردوسی، نخستین و جامع‌ترین اثر پایداری ایرانیان پس از شکست در برابر اعراب به شمار می‌رود.

فهرست منابع

الف. کتاب‌ها

۱. اسلامی ندوشن، محمدعلی. (۱۳۸۱). **ایران و جهان از نگاه شاهنامه**. تهران: امیرکبیر.
۲. (۱۳۸۰). **چهار سخنگوی وجدان ایران**. تهران: قطره.
۳. خالقی مطلق، جلال. (۱۳۸۸). **سخن‌های دیرینه**. چاپ سوم. تهران: افکار.
۴. رزمجو، حسین. (۱۳۸۱). **قلمرو ادبیات حماسی ایران**. جلد دوم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۵. سرآمی، قدمعلی. (۱۳۸۸). **از رنگ گل تا رنج خار**. چاپ پنجم. تهران: علمی و فرهنگی.
۶. فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۷). **شاهنامه**. به کوشش عبدا... اکبریان راد. چاپ چهارم. تهران: الهام.

ب. مقاله‌ها

۱. اشراقی، احسان. (۱۳۵۴). «شاهنامه از دیدگاه وحدت ملی». هنر و مردم. ش ۸۵. صص ۸۵-۷۴.
۲. امامی، صابر. (۱۳۸۳). «ادبیات مقاومت در نگاهی به سرخ از پرنده و پرواز». فرهنگ و هنر. ش ۳۹. صص ۳۰-۲۵.
۳. چهارقانی برچلوئی، رضا. (۱۳۸۳). «شاهنامه فردوسی نخستین منظومه پایداری». فصلنامه شعر. ش ۳۹. صص ۳۶-۳۱.
۴. حجازی، بهجت‌السادات. (۱۳۸۹). «جلوه‌های پایداری در شعر ابوماضی». لسان مبین. ش ۲. صص ۵۸-۴۱.
۵. راشد‌محصل، محمدرضا. (۱۳۶۹). «اشاره توصیفی به برخی از عناصر بنیادی حماسه ملی». فرهنگ. ش ۷. صص ۶۵۱-۶۶۳.
۶. سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۳). «ادبیات پایداری». فصلنامه شعر. ش ۳۹. صص ۵۳-۴۵.
۷. شفیع‌کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۱). «جلوه‌گری‌های وطن در شعر فارسی». یاد. ش ۶۳. صص ۱۹۰-۱۶۱.
۸. عزیری، طاهره. (۱۳۸۸). «ترسیم چرخه عدالت در شاهنامه». نشریه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم. ش ۴۵. صص ۱۷۰-۱۴۳.
۹. قاسم‌زاده، بهجت. (۱۳۹۰). «مقایسه جلوه‌های پایداری در یادگار زیران و گشتاسب‌نامه دقیقی». ش ۵. صص ۲۶۱-۲۴۳.